مرد عنکبوتی
نشان دهنده سبک زندگی امریکایی است

معصومه طاهری

بازگشت مرد عنکبوتی به خانه، فیلمی به کارگردانی جان واتس و نویسندگی جان فرانسیس دالی، جاناتان گلدستاین، جان واتس و کریستوفر فورد است که بر پایه شخصیت خیالی مرد عنکبوتی از شرکت مارول کامیکس ساخته شده است. این فیلم سری دوم در مجموعه فیلم‌های مرد عنکبوتی محسوب می‌شود و همچنین شانزدهمین فیلم در دنیای سینمایی مارول به شمار می‌رود. مسئول استودیوی مارول، کوین فیگ ۴۴ ساله است که از روند کار بسیار رضایت دارد. در پاریس این قهرمان خیالی به شخصیت محبوبی تبدیل شده، برهمین اساس فیگار و با کوین فیگ گفت‌وگو کرده است.

نقش مرد عنکبوتی در افسانه‌های امریکایی چیست؟

من فکر می‌کنم مرد عنکبوتی در بالای سکو ایستاده است. این فیلم یکی از آیکون‌های مهم فرهنگ امریکایی و نشان دهنده سبک زندگی امریکایی است که تأثیر زیادی هم داشته است. کارهای بسیاری می‌تواند انجام بدهد و اتفاقات زیاد دیگری که در سینما می‌توان اجرایی کرد اما بارزترین شکل آن در کمیک، استن لی و استیو دیتکو بود که توانست مرد عنکبوتی را ایجاد کند و آن را به تنها ابر قهرمان امریکایی در جهان ارائه دهد و چیزی که بیشتر از همه آن را مورد توجه کرده آن است که شخصیت مرد عنکبوتی نوجوانی دور از جامعه نیست. درس می‌خواند و مدرسه می‌رود. وقتی به خانه باز می‌گردد باید تکالیف مدرسه‌اش را انجام دهد و حالا او قهرمانی برای بزرگسالان هم شده است که مشکلاتش مانند انسان‌هاست. نگرانی‌های روزانه‌ای که دارد و سایر ابرقهرمانان مثل او نیستند و همین باعث شده است افراد زیادی در سن و سال‌های متفاوت با او احساس نزدیکی و همذات‌پنداری بیشتری داشته باشند. او نماد فردی است که می‌تواند کارهای فوق‌العاده‌ای انجام دهد چیزی که خیلی‌ها در جهان آن را دوست دارند و برایشان قهرمان است.

چرا اینقدر برای شما مهم بود تا استودیو مارول برای بازگرداندن مرد عنکبوتی اقدام کند؟

ما می‌خواستیم مرد عنکبوتی را بازگردانیم چون در حال حاضر در استودیو مارول، ما همه شخصیت‌ها را داشتیم اعم از یک میلیونر، یک سرباز، یک استاد هنر، یک شاهزاده و... حالا که همه چیز فراهم شده بود و همه انتقام جویان بودند تنها مرد عنکبوتی در میان آنها کم بود. البته مرد عنکبوتی از سال ۲۰۰۲ به کارگردانی سامی ریمی، خلق شده بود اما آن زمان در حد فیلم گسترش پیدا نکرده بود. ما می‌خواستیم شخصیت او را صادقانه بازسازی کنیم.

این فیلم در مقایسه با قبل چه تغییراتی کرده است؟

نسبت به فیلم‌های دیگر که پیتر پارکر (مرد عنکبوتی) اراده خوبی برای انجام کارهایش دارد و با قدرت است و اعتماد به نفس بالایی دارد ما می‌خواستیم نشان دهیم که اینجا مرد عنکبوتی شرایط را دوست دارد و لذت می‌برد یک قهرمان است و متوجه می‌شود که شخصیت مضحک عنکبوتی تأثیر مستقیمی در زندگی‌اش دارد.

چطور تام هلند را انتخاب کردید؟

ما از صدها پسر برای نقش تست گرفتیم. سپس کم کم لیست ما به چهار یا پنج بازیگر محدود شد تا در فیلم کاپیتان امریکا جنگ داخلی برای اولین بار در نقش مرد عنکبوتی بازی کند تا زمانی که ما متوجه شدیم تام هلند نوجوان ۱۹ ساله نه تنها یک بازیگر توانایی است، بلکه قدرت کاریزمایی و اتکا به نفس خوبی هم دارد و می‌تواند با رابرت داونی جونیور زوج بازیگری خوبی را در فیلم داشته باشد. تام هلند اعتماد به نفس بالایی دارد و می‌تواند مرد عنکبوتی را برای علاقه‌مندان به خوبی ارائه دهد. وقتی اولین جلسه بین من، تام هلند و رابرت داونی جونیور برگزار شد، متوجه شدم خودش است البته هنوز در ابتدای راه بازیگری است اما توانایی لازم را دارد. از طرفی تام هلند ژیمناستیک کار بسیار خوبی هم هست و ورزشکاری است که استعداد بازیگری هم دارد و می‌تواند صحنه‌های اکشن را خودش با شجاعت و توانایی انجام بدهد بدون اینکه بدل نیاز داشته باشد. البته بدلکار برای ایمنی بازیگران در فیلم همراهی می‌کند یا بخش‌هایی از فیلم به صورت دیجیتالی است.

انتخاب مایکل کیتون که به تازگی برای فیلم مرد پرنده جایزه اسکار هم گرفته است عمدی بود؟

او سرگم‌کننده بود اینطور نیست؟! بازیگر توانایی که در فیلم مرد پرنده به خوبی ظاهر شد و سال‌ها در نقش بتمن حضور داشت یک بازیگر استثنایی که تصور می‌کردیم با ما در فیلم همراهی کند.

چه زمانی برای اولین بار ماجرای مرد عنکبوتی را خواندید؟

کشف مرد عنکبوتی با تماشای یکسری کارتون‌های قدیمی بود با موسیقی معروف تم جاز مانند که در جاهای مختلف این فیلم هم دیده می‌شود. اولین بار که آن را دیدم برایم جالب و شگفت‌انگیز بود، زیرا در انظار عمومی با آن لباس و رنگی که داشت ظاهر شد.

انتقاد بازیگر سرشناس امریکایی از توقیف فیلم و نژادپرستی در هالیوود

توقیف فیلم به سبک امریکایی

جواد محرمی

بازیگر رنگین پوست هالیوودی از نژادپرستی و توقیف فیلم از سوی کمپانی دیزنی انتقاد کرد. ساختار نظارت بر آثار سینمایی در امریکا بر خلاف ایران باهوش‌تر از آن است که فیلم‌های سینمایی را به طور رسمی توقیف کند، چراکه هزینه این کار برای نظام سیاسی امریکا بالاست. توقیف فیلم در امریکا بر خلاف ایران بسیار بی‌سروصدا و به شکلی محرمانه انجام می‌شود. اخیراً یکی از بازیگران مطرح هالیوودی به اکران نشدن فیلمی که تقریباً ۷۰ سال از تولید آن می‌گذرد انتقاد و ابراز امیدواری کرده است روزی این فیلم روانه اکران شود. جالب است که موارد امنیتی درباره این فیلم به قدری رعایت شده است که پس از ۷۰ سال هنوز هیچ نسخه‌ای از آن به بیرون درز نکرده و کسی آن را ندیده است. نام این فیلم که در قالب انیمیشن ساخته شده، ترانه جنوب است و درباره آفریقایی-امریکایی‌هاست.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، وویی گلدبرگ کمدین سرشناس امریکایی که به عنوان چهره افسانه‌ای دیزنی معرفی شد چیزهای شگفت‌انگیزی برای گفتن درباره فیلمی که مشهور نبود در این کمپانی در تاریخ داشت. گلدبرگ، از کمپانی دیزنی خواست تا به تاریخ خودش پشت نکند و فیلم جنجالی سال ۱۹۴۶ را در دسترس عموم قرار دهد.

ووپی گلدبرگ که به عنوان چهره افسانه دیزنی معرفی شد درباره فیلم محبوبش از ساخته‌های این کمپانی از فیلم «ترانه جنوب» محصول ۱۹۴۶ دیزنی نام برد که به صورت انیمیشن - فیلم زنده ساخته شده و برای ارائه حساس مسئله نژادی درباره آفریقایی - امریکایی‌ها در دوران نوسازی و اصلاحات دهه‌هاست که اکران نشده باقی مانده است.

گلدبرگ بازیگر فیلم «روح» گفت: «دارم سعی می‌کنم تا راهی پیدا کنم که بتوانم این فیلم را دوباره احیا کنم». این در حالی است که دیزنی حتی از ارائه این فیلم روی دیسک یا به صورت دیجیتالی هم خودداری کرده است.

گلدبرگ افزود: «تنها در این صورت است که می‌توانیم درباره آنچه بود صحبت کنیم و اینکه این مسائل از کجا آمده و چرا به وجود آمده است؟» به گزارش «جوان» در امریکا محدود کردن آزادی‌ها بر خلاف ایران به شکلی کاملاً نامحسوس انجام می‌شود و رسانه‌های پرنفوذ این کشور هماهنگی زیادی جهت مدیریت افکار عمومی در این ارتباط دارند. اینکه در امریکا فیلمی بیش از ۷۰ سال اجازه اکران پیدا نکرده باشد در ایران موضوعی باور پذیر نیست اما ساختار حقوقی و فرهنگی امریکا چنان هوشمندانه اقدام به این کار می‌کند که کمتر هزینه را به خاطر متهم شدن در نفی آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی متوجه خود کند.

نگاهی به فیلم پوران درخشنده

زیر سقف دودی یا زیر سقف فمنیسم

یاسین سرمیلی

بار دیگر و بعد از چهار سال خانم پوران درخشنده با فیلمی جدید به سینما بازگشته است. بعد از ساخت و اکران فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» در سال ۹۲ که با استقبال گسترده مخاطبان و اهالی سینما همراه بود اکنون خانم درخشنده فیلم «زیر سقف دودی» که جدیدترین اثرش نیز است را به معرض نمایش گذاشته است.

وی در اکثر آثار و فیلم‌هایش حرف و مسئله اصلی خود را کانون خانواده، بحران‌ها و چالش‌هایی که این نهاد مقدس را تهدید می‌کند، معرفی و بیان می‌نماید. فیلم زیر سقف دودی بیانگر و نشان دهنده یک خانواده ایرانی است. خانواده‌ای که به لحاظ مالی در زمره مرفهان به شمار می‌روند و دغدغه مسائل معیشتی را ندارند و فقط مسئله آنها مسائل اجتماعی و عاطفی است.

فیلم با فرازی از دعای ابوحمزه ثمالی آغاز می‌شود و شیرین مادر خانواده در تلاش برای برقراری تماس و صحبت با شوهرش بهرام است که فردی سرمایه‌دار و صاحب کارخانه پلاستیک‌سازی است. بعد از این پلان، فیلم به سراغ تک فرزند خانواده یعنی آرمان می‌رود که در یک پارتی شبانه با دختری که تکلیف رابطه آنها چندان هم روشن نیست مشغول خوشگذرانی است.

کارگردان در کمتر از سه دقیقه تمام شخصیت‌های فیلمش را معرفی می‌کند و از لحظه ورود بهرام به منزل قصه فیلم آغاز می‌شود. روابط بسیار سرد و گاهی قراردادی بهرام با همسرش شیرین و سؤال‌ها و جواب‌هایی که بین آنها رد و بدل می‌شود و در نهایت بهرام که به دنبال بهانه می‌گشت با شیرین قهر کند، این اولین شمایل از این خانواده است. با ورود آرمان به خانه، فیلم وارد مرحله دوم و اصلی خودش می‌شود یعنی نحوه ارتباط فرزند با والدین خویش. آرمان که در فیلم نماد پسرهای جوان امروزی نمایش داده می‌شود، پسری است که با حمایت همه جانبه مادرش بزرگ شده، مرتب باشگاه بدنسازی می‌رود، آب کرفس نوشیدنی اصلی اوست و علاقه‌ای به درس خواندن ندارد، خدمت سربازی را اصلی‌ترین مانع بر سر راه خوشبختی خود قلمداد می‌کند و از گفتن یک عذرخواهی ساده ابا دارد و آن را کسر شأن می‌داند در این بین با دختری هم آشنا شده که برای ارتباط با او پدر و مادرش محدودیت‌های خاصی برایش در نظر گرفتند.

روشن است که پیام اصلی فیلم گسست روابط اجتماعی و کمرنگ شدن نقاط مشترک بین اعضای خانواده است. شیرین مادر خانواده سعی می‌کند این گسست‌ها و چالش‌ها را جبران کند اما با مقاومت و بی‌مهری از طرف شوهر و فرزندش مواجه می‌شود اما باید به این نکته توجه کرد که کمرنگ شدن این روابط اجتماعی در این خانواده مسبب اصلی و مقصر شماره یک آن خود مادر یعنی شیرین است. چنانکه در سکانسی که شیرین به مطب روانپزشک مراجعه می‌کند به اعتراف خود او، دانشگاه را به خاطر پسرش رها می‌کند و تمام توجهش معطوف به آرمان پسرش می‌شود. به طوری که محبت بیش از حد شیرین نسبت به آرمان موجب حسادت همسرش بهرام می‌شود و با این کار به طور غیر مستقیم بهرام را آزار می‌دهد.

آرمان که در سنین جوانی به سر می‌برد پرخاشگر شده و مدام به مادرش سرکوفت می‌زند و حتی کمبودهای جنسی‌اش نظیر چاقی مادرش را به رخ او می‌کشد. بهرام نیز که از رابطه با شیرین دلسرد شده هوایی می‌شود و برای جبران این رابطه به سراغ زنی جوان یعنی رعنا می‌رود. در واقع «زیر سقف دودی» داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که اعضای آن همدیگر را برای قرار گرفتن در وضع موجودشان مقصر می‌دانند و هر کدام حق را به خودشان می‌دهند. کارگردان اصرار دارد نشان دهد شیرین با همه وجود و ابزارش سعی در حفظ خانواده خود دارد که در نهایت او و بهرام وجود فرزندشان را تنها دلیل حفظ خانواده و زندگی مشترکشان عنوان می‌کنند. در واقع این موضع کارگردان است، زنی که به واسطه نگاه سادیستی و متحجرانه شوهرش نزدیک به ۲۰ سال موهای خود را رنگ نکرده و به قول معروف به خودش نرسیده و سعی می‌کند با رنگ کردن موهایش و آرایش کردن، خود را به شوهر و پسرش ثابت کند تا شاید وضع زندگی کمی تغییر کند. این موضع اولیه کارگردان است که در انتهای فیلم موضع خود را پس می‌گیرد و از آن عدول می‌کند چنانکه وقتی بهرام پیشنهاد طلاق را به شیرین می‌دهد به سادگی قبول می‌کند و در نمای آخر فیلم زمانی که بهرام ابراز ندامت و پشیمانی می‌کند که معلوم نیست چطور یکدفعه به سرش می‌زند و رابطه‌اش را با رعنا تمام می‌کند و با یک فیلم بی‌کیفیت از عروسی خودش با شیرین متحول می‌شود! در این نما یعنی همان نمای پایانی، شیرین خواسته بهرام و عذرخواهی او را رد می‌کند و به سادگی هرچه تمام‌تر او و زندگی ۲۶ ساله‌اش را ترک می‌کند. این عمل این سؤال را در ذهن مخاطب حک می‌کند که آیا این زن شدیداً به دنبال تحکیم روابط خانواده خود بوده است؟ اگر اینطور بوده است پس چرا به سادگی و با یک پشت پا زدن همه آن تلاش‌ها را ناتمام و بی‌نتیجه رها می‌کند؟ حال که شوهرش به ظاهر متوجه اشتباه خود شده آیا این بار نوبت زن است که به راحتی خانواده خود را ترک کند؟ آیا می‌شود این عمل را به کل جامعه و مادران ایرانی تعمیم داد؟ پس باید به نیت شیرین و هدف کارگردان شک کرد که هدف از ساخت این فیلم روایت مظلومیت یک زن نیست و اصل ماجرا این است که اگر شوهری به واسطه بی توجهی همسرش تجدید فراش کرد زن هم این حق را به خود می‌دهد که او، فرزندش و همه زندگی‌اش را ترک کند. اینجاست که بوی مشمئزکننده اهداف فمنیستی که در پشت پرده فیلم قرار گرفته مشام انسان را آزار می‌دهد. چند نکته راجع به فیلم وجود دارد؛ نکته اول اینکه ریتم فیلم به شدت کند است و همین ریتم کند به تکمیل ظاهر و پز نصیحت‌گرایانه فیلم کمک شایانی می‌کند و نکته دوم بازی بازیگران است که نمود چندانی در فیلم ندارد. مریلا زارعی به رغم تلاش ستودنی‌اش به خوبی نتوانسته است نقش مادری سرخورده را بازی کند که این کار را در فیلم شیار ۱۴۳ به خوبی انجام داده اما مقصر در نیامدن نقش را نمی‌توان به پای زارعی نوشت، چراکه نقش شیرین در فیلمنامه به درستی تبیین نشده بود. نقش آفرینی فرهاد اصلانی در نقش بهرام آدم را به یاد چند نقش آفرینی دیگر او در فیلم‌های قبلی البته با کمی تفاوت در ماهیت نقش و موضوع فیلم می‌اندازد؛ شخصیت مجید در فیلم «به خاطر پونه» ساخته هاتف علیمردانی که مردی سنتی مآب بود و به واسطه شک به همسرش زندگی شان در معرض نابودی قرار گرفته بود و همچنین نقش ابراهیم کیانی در فیلم جنجالی «زندگی خصوصی» اثر محمدحسین فرحبخش. ابراهیم فردی سیاسی و مطبوعاتی بود که با وجود توجه و ابراز علاقه زیاد همسرش تجدید فراش می‌کند و زندگی دومی دارد و همچنین فیلم «عصر یخبندان» که همسر معتادش با رابطه با فرد دیگری او را تحریک کرده که دست به اقداماتی خارج از محدوده عقل بزند. با این همه اصلانی نه صرفاً در «زیر سقف دودی» بلکه چندسالی است که از روند رو به جلو و پیشرفتش فاصله گرفته و مدام در حال تکرار شدن و درجا زدن است، در حالی که اصلانی یکی از معدود بازیگران توانای سینمای کشورمان است. بازیگر دیگر یعنی ابوالفضل میری در نقش آرمان که بازی‌اش بسیار فاجعه بار است. شخصیتی کارت پستالی با دیالوگ‌های کودکانه که او را در حد بازیگری فاجعه بار تنزل داده است. اما اگر از مسیر انصاف خارج نشویم باید به این نکته اشاره کرد که میزانسن فیلم بسیار خوب و همگن با موضوع طراحی شده است چنانکه استفاده زیاد از رنگ‌های سرد در فیلم به ایجاد روابط سرد بین اعضای خانواده کمک کرده است. نکته آخر اینکه فمنیستی بودن فیلم و اهداف کارگردان و عوامل فیلم در اینجا نیز مشخص می‌شود که کارگردان اصرار بر این دارد که موضوع طلاق عاطفی را از منظر مادر خانواده یعنی شیرین ببیند. همچنین ظلم‌هایی که در حق زن ایرانی صورت می‌گیرد و مردهایی که سنتی و متحجرانه فکر می‌کنند و مراجعه به روانپزشک را مساوی با دیوانه بودن قلمداد می‌کنند که شخصیت بهرام نماینده این قشر از مردان است. ازدواج زودهنگام، رها کردن تحصیل به دلیل مادر بودن و همچنین مورد بی‌لطفی و بی‌مهری قرار گرفتن از سوی اطرافیان مواردی است که فیلم آنها را مطرح می‌کند و مقصر آن را مردان و محیط اطراف جلوه می‌دهد. به بیان دیگر شاید فیلمساز این هدف را داشته که نشان دهد ازدواج و تشکیل خانواده برای زن ایرانی به معنی اسارت در زندان بی‌مهری و نادیده گرفته شدن است.

البته نمی‌توان منکر این واقعیت شد که در حق زنان و حتی مردان این جامعه ظلم‌های بسیاری صورت گرفته است اما نباید این چنین نگاهی یک طرفه و حق به جانب به این موضوع یعنی طلاق عاطفی داشت.

خانم درخشنده موضوع بسیار خوب و مناسبی را برای فیلم خود انتخاب کرده است؛ طلاق عاطفی که این پدیده شوربختانه بین خانواده‌های ایرانی در حال افزایش است اما نکته مهم این است که نگاه ایشان به این موضوع مانند موضع در فیلم «هیس دختران فریاد نمی‌زنند» است. جایی که خانم درخشنده از یک انسان که به قتل رسیده آدمی ظالم و جانی بالفطره می‌سازد و قاتل را فردی رنج کشیده و حق به جانب نشان می‌دهد که این نوع نگاه بی‌انصافی محض است.

در پایان ما از فیلمسازان و هنرمندان کشورمان انتظار داریم موضوعاتی اینچنینی را که مبتلا به جامعه نیز است جلوی دوربین ببرند اما نه با نگاهی غرض ورزانه و حق به جانب و صرفاً اصل واقعیت را بیان کنند و نتیجه‌گیری را به عهده خود مخاطب قرار دهند در غیر این صورت با این نگاه که نگاهی قابل اغماض و حق به جانب است نه تنها نتیجه مثبت نمی‌دهد بلکه عکس خواسته ما محقق می‌شود.

اکران فیلم «من دنیل بلیک» در سرزمین‌های اشغالی

«کن لوچ» زیر باران نقد رفت

فرزین ماندگار

انتقاد از صهیونیسم از سوی سینماگران و متعاقب آن فشار برای تواب کردن فردی که لب به انتقاد گشوده موضوع بی‌سابقه‌ای در هالیوود نیست. این بار ظاهراً این موضوع دامان «کن لوچ» سینماگر مطرح انگلیسی را گرفته است.

با نمایش فیلم «من دنیل بلیک» در اسرائیل، کن لوچ به عنوان کارگردانی که از حامیان تحریم فرهنگی رژیم‌صهیونیستی است، زیر باران نقد رفت.

در حالی که کن لوچ به عنوان یکی از منتقدان و معترضان به رژیم‌صهیونیستی شناخته می‌شود، نمایش گسترده فیلم او در مناطق تحت اشغال صهیونیست‌ها، وی را متهم کرده که دیگر در زمره چهره‌های حامی تحریم فرهنگی رژیم‌صهیونیستی قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که ادعا شده است وی شخصاً اجازه داده است تا فیلمش در اسرائیل نمایش داده شود. این کارگردان انگلیسی چندی پیش به شدت از هنرمندانی که در سرزمین‌های اشغالی رژیم‌صهیونیستی برنامه داشتند انتقاد کرده بود و این رژیم را گروهی آپارتاید خوانده بود. در عین حال تهیه کننده او به شدت اصرار دارد که نمایش فیلم «من دنیل بلیک» در این سرزمین‌ها کاری اشتباه بوده است. دلیل اصلی‌ای که فیلم‌های لوچ در اسرائیل اکران شده است پس از اعتراض وسیع او به اجرای کنسرت گروه «ریور هد» برای صهیونیست‌ها بسیار عجیب به نظر می‌رسد. خود لوچ این گروه را برای نادیده گرفتن حقوق فلسطینی‌ها متهم کرده و آنها را حامی رژیم آپارتاید خوانده بود.

ربکا اوبراین تهیه کننده فیلم‌های کن لوچ گفته است اکران این فیلم به دلیل عقد قراردادی تصادفی از سوی وایلد بانچ کمپانی توزیع کننده صورت گرفته و این بدون اطلاع کن لوچ و کمپانی تولیدکننده وی یعنی «سیکستین فیلمز» بوده است. شانی توزیع کننده فیلم در اسرائیل و مالک شبکه سینمایی «لو» که این فیلم را اکران کرده گفته است لوچ و تهیه‌کننده وی را از سال‌ها پیش می‌شناخته و هر سال هم به آنها پول پرداخت می‌کرده و هیچ‌وقت با اعتراضی روبه‌رو نبوده است. این کمپانی گفته است از سال ۱۹۹۳ و وقتی امتیاز پخش فیلم «سنگ‌باران» را خریده هرگز مشکلی برای اکران فیلم‌های این کمپانی در اسرائیل نداشته است. اما رئیس کمپانی نشر فیلم وایلد بانچ از لوچ دفاع کرده و مدعی شده است کن لوچ از آنها خواسته بود که فیلم را به اسرائیل نفروشند.

نمونه‌های زیادی از انتقاد برخی سینماگران مطرح از رژیم‌صهیونیستی یا اعتراض به نفوذ یهودی‌ها در هالیوود که منجر به فشار علیه این سینماگران شده، وجود دارد. شاخص‌ترین مثال در این مورد انتقاد مارلون براندو ستاره سینمای امریکا از نفوذ یهودی‌ها در هالیوود بود که منجر شد این بازیگر برای سال‌ها امکان فعالیت در سینمای امریکا را از دست بدهد و تا زمانی که مجبور به بازی در نقش کاراکتری همجنس‌گرا نشد امکان فعالیت مجدد برای او فراهم نیامد. حالا این کن لوچ است که باید تقاص انتقاد از رژیم‌صهیونیستی را با اکران فیلمش در سرزمین‌های اشغالی و به جان خریدن انتقادهای بیشمار از خود پرداخت کند.

قزوه: «برادر انگلستان» را روی لج و لجبازی نوشتم

نویسنده رمان «برادر انگلستان» در آئین رونمایی از این رمان گفت: گاهی از روی لجاجت کاری خلق کرده‌ام و قصه برخی از اشعارم اینطور بوده و این رمان هم مانند این است و می‌خواستم خودم را امتحان کنم ببینم می‌توانم بنویسم یا خیر و از روی لج و لجبازی آن را نوشتم.

علیرضا قزوه در این مراسم عنوان کرد: من در سال‌های دهه ۶۰ مسئولیت ادبی مجله‌ای را داشتم که مجبور بودم نثر ادبی و داستان کوتاه بنویسم. همچنین مجموعه داستان «درحاشیه شط» نیز توسط انتشارات سوره مهر در همان سال‌ها منتشر شده است.

وی افزود: علاوه بر این چندین سفرنامه مانند سفرنامه حج و سفرنامه قونیه را نیز نوشته‌ام که مورد استقبال قرار گرفته است و دو سفرنامه هم دارم که از مظلوم‌ترین آثار من است. یکی سفرنامه سوریه و دیگری سفرنامه هند است. همچنین یک سفرنامه هم دارم که آن را برای مخاطب ۵۰۰ سال آینده نوشته‌ام که البته هنوز منتشر نشده است، اما تصمیم گرفته‌ام اندکی تغییرات با رویکرد انتظار در آن ایجاد کنم و هنوز بازنویسی آن را شروع نکرده‌ام. این رمان اتفاقات گذشته من در بازار تهران و سمنان را روایت می‌کند و بخشی نیز از آنجا که این کتاب رمان است، تخیل خواهد بود. رمان دیگری هم در دست نگارش دارم که تکلیف آن را این رمان روشن می‌کند. در فضای شعری نیز من تنوع‌طلب هستم و سراغ قالب‌هایی رفته‌ام که نسل من فراموش کرده‌اند. ترکیب‌بند یکی از قالب‌هایی است که سراغ آن رفته‌ام. این کار به نسل بعد از من جرئت داد که سراغ این قالب بروند.

اجرای ویژه «رویای امریکایی» به نفع یک کودک بیمار

نمایش «رویای امریکایی» به کارگردانی شهرام آذرمهر که این روزها در حوزه هنری به صحنه می‌رود، به نفع «فرزاد» بیمار خاص پوستی سه روز اجرای ویژه خواهد رفت.

عاطفه کاشانی درباره این فعالیت ویژه می‌گوید خنده‌های شجاعانه و معصومانه فرزاد حامیان زندگی را صدا می‌زند که زیبا و دلشنین است؛ امید رسیدن به سلامتی کامل و مبارزه با بیماری. برای فرزاد لمس این بالاترین لذت زندگی را متأسفانه داروهای گران می‌طلبد و خانواده دیگر توان ادامه این راه را به تنهایی ندارند.

شهرام آذر مهر کارگردان نمایش رویای امریکایی عنوان می‌کند قرار است اجرای سه شب برنامه تئاتر تراژدی ـ کمدی رویای امریکایی در حوزه هنری از ۲۹ تا ۳۱ تیر به مدت پنج سانس و ۲هزار بلیت رزرو شود.

سالن حوزه ظرفیت ۴۰۰ نفر و بلیت ۳۰ هزار تومنی را برای تهیه قسمتی از هزینه داروها گذاشته است. آذرمهر می‌گوید: برای تهیه قسمتی از هزینه داروها قیمت از ۴۰ هزار تا ۶۰ هزار تومان گذاشته شده است. بچه‌های گروه تئاتر خوب نیز از سهم خود هر بلیت مبلغ ۵۰۰تومان هدیه کرده‌اند.

آذرمهر مطرح می‌کند: فرزاد یک بیماری پوستی خاص دارد که خودش نیز کمتر از یک هفته است با آن آشنا شده است. وی می‌افزاید: بخشی از مبالغ بلیت به او هدیه داده می‌شود. تعدادی از خیران هم بلیت‌ها را با مبالغ بیشتر تهیه می‌کنند.

علاقه‌مندان برای مشارکت در این کار می‌توانند بلیت‌های نمایش رؤیای امریکایی را در این سه تاریخ ذکر شده تهیه کنند.

احمد مهرنیا خبر داد

خاطرات سیاسی حمله به اچ ۳ تألیف می‌شود

احمد مهرنیا از پایان بازنویسی خاطرات سرتیپ آزاده خلبان یدالله عبدوس در ماجرای حمله به اچ ۳ خبر داد و گفت: اعتقادم این است که یک سرباز هم می‌تواند یک قطعه از پازل جنگ کشورمان باشد.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری، سرتیپ‌دوم احمد مهرنیا، با بیان اینکه به تازگی کار نگارش خاطرات سرتیپ آزاده خلبان یدالله عبدوس را به پایان رسانده است اظهار کرد: خاطرات آزاده خلبان یدالله عبدوس را با عنوان «حکایت تقدیر» که به نوعی خودنوشت است، بازنویسی کرده‌ام و نگارش آن به تازگی به پایان رسیده است. ایشان خلبان F۴ و حدود ۱۰ سال در عراق در اسارت بوده‌اند. خاطرات ایشان بسیار زیباست و بخشی از خاطراتشان در محور اسارت روایت می‌شود.